

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۹ فبروری ۲۰۰۹

افغانستان – ویتنام او باما؟؟؟

تاریخ ما نفس طولانی دارد!!!

همین لحظه در تلویزیون "سی ان ان" CNN امریکا دقیقه ای چند را وقف اوضاع جنگی افغانستان نموده و نظر اهل فن را در زمینه میگردفتند، تا اینکه ترکیب "ویتنام او باما" بر زبان یک متخصص نظامی امریکائی و تحلیلگر اوضاع منطقه افتاد. همین نکته چنان در دلم نشست که عزم جزم کردم، تا آن را عنوان قرار داده و در ذیلش عرایضم را تقدیم خوانندگان گرانقدر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نمایم.

قرار احصائیه ای که دادند، همین اکنون عساکر ۴۱ کشور جهان در افغانستان مستقر اند، از جمله ۳۶۰۰۰ – و به گفته منابع المانی ۳۸۰۰۰ – عسکر امریکائی، که ۱۹۰۰۰ آن تحت قوماندۀ مستقیم امریکا و متباقی تحت قوماندۀ "آیساف" است که از طرف "ناتو" اداره و رهبری میگردد. اداره او باما دیروز ازدیاد عساکر امریکائی را به اندازه ۱۷۰۰۰ نفر دیگر نیز اعلام نمود. در کانفرانس وزرای دفاع پیمان ناتو که امروز ۱۹ فبروری در شهر "کراکو" پولند دایر میگردد، انتظار میرود که امریکا بر متحدانش فشار بیاورد تا عساکر بیشتر خود را در افغانستان بگمارند. اعلان اعزام ۱۷۰۰۰ عسکر اضافی امریکائی به افغانستان، و آن هم یک روز پیش از تدویر کانفرانس "کراکو" در واقع سگنالی شمرده میشود، بر انتظار امریکا از ممالک هم پیمانانش. بلی؛ امریکا بدین وسیله تأکید خود را جامه عمل پوشانده به میدان انداخت و معلوم است که ممالک دنباله رو اتازونی نمیتوانند، از زیر فشار امریکا شانه خالی نمایند. دیروز حکومت ایتالیا اعزام ۵۰۰ عسکر اضافی خود را اعلان نمود و یک روز پیشتر از آن حکومت المان اعزام ۶۰۰ عسکر اضافی را متقبل گردیده بود.

آنچه در کانفرانس ناتو در "کراکو" بررسی گردیده و در زمینه تصمیم گرفته خواهد شد، مشعر بر تشدید عملیات نظامی قوای متجاوز در افغانستان است. از همینجاست که ترکیب "ویتنام او باما" عرض اندام کرده و سزاوار توجیه میگردد. اما چرا "ویتنام او باما"؟؟؟ کسی که بحیث یک متخصص نظامی امریکا و تحلیلگر اوضاع افغانستان، این اصطلاح را بمیدان انداخته، بدون شک که سخن هوائی و به گزاف نگفته است. او میدانند که امریکای تحت اداره اباما در نظر دارد که باصطلاح جنگ افغانستان را هرو مرو به نفع امریکا ختم نماید؛ چنانکه این نکته از تبلیغات انتخاباتی او باما هم دقیقاً استدرک میشد. سؤالی که حتماً عرض اندام میکند، این خواهد بود که:

آیا امریکا قادر خواهد بود که برنده جنگ افغانستان گردد؟؟؟ جواب سؤال بدرجه اول، از دو جانب ارائه شده میتواند. یکی از طرف خود افغانها و دیگر از طرف نمایندگان قوای اشغالگر و تحلیلگران غربی. بدون تردید که این سؤال را افغانانها با یک "نه" و "نی" کلان جواب خواهند داد. غیرت افغانی و شعور فرهنگی و تاریخی ما حکم دیگری را اجازت نمیدهد. اما طرف مقابل چه جوابی را عرضه میدارد؟؟؟ جواب دو گونه بوده میتواند، آن هم از دو دسته مردم. اول جواب رسمی مقامات کشوری اشغالگران، و آن غیر از این بوده نمیتواند، که: «بلی؛ ما این جنگ را خواهیم برد و آخر الامر و در فرجام، برنده این نبرد خواهیم بود.»

این جواب را قوای انگلیسی در قرن نهم و قوای روسی در قرن بیستم در افغانستان و قوای امریکائی در ویتنام هم داده بودند، و تاریخ بطلان هر سه را برملا ساخت. ازینجاست که جواب قوای اشغالگر برای ما اصلاً "جواب" بوده نمیتواند، چون ایشان نمیتوانند غیر از این جوابی هم بدهند. میماند جواب کسانی از کشورهای غربی که خارج از چوکات اداری دول متجاوز، سخن میگویند و بارزترین جواب همین است که من امروز از تلویزیون "سی ان ان" شنیدم. آن متخصص نظامی و تحلیلگر اوضاع روانی - اجتماعی - نظامی افغانستان جواب خود را در یک کلمه ارائه کرد؛ در "ویتنام اوباما". به یقین که او این جواب را آگاهانه انتخاب کرده و سخنی هوائی و "پا در هوا" را به زمین نینداخته است. او پیش بینی میکند، که امریکا خود را شدیداً در این جنگ منهدم خواهد ساخت، بدون اینکه آینده آنرا که میتواند نظیر "ویتنام" باشد، در نظر بگیرد.

در هر صورت، امریکای تحت رهبری اوباما تصمیم گرفته است، که مقاومت افغانان را شکسته و کشورشان را منکوب خود بسازد. ازدیاد عساکر امریکائی باندازه ۳۰۰۰۰ نفر که اوباما بار بار از آن سخن گفته، معلومدار ازدیاد عساکر کشور های دیگر ناتو را در افغانستان بدنبال خواهد داشت. همین اکنون ۵۵۰۰۰ عسکر از ۴۱ مملکت جهان در افغانستان مستقر ساخته شده اند، که با ازدیاد قوای امریکائی به اندازه ۱۷۰۰۰ (۳۰۰۰۰) عسکر دیگر، تنها قوای امریکائی به ۵۵۰۰۰۰ (۶۸۰۰۰) نفر بالغ خواهد گشت. و اگر حکومت اوباما کشورهای پایدو خود را مجبور به افزایش قابل وقع تعداد عساکر شان در افغانستان ساخته بتواند - که هر آئینه میتواند - تعداد کلی عساکر ناتو در افغانستان دکه به "یکصد هزار" نفر خواهد زد. و این برابر است با قوای متجاوز روسی که در ظرف ده سال کوشیدند، افغانستان را زیر تسلط خویش در آورند. ما مگر شاهد بودیم که اتحاد شوروی با مزایای سوق الجیشی که داشت، و با وجودی که یک اردوی منظم و بزرگ افغانی در پهلویش ایستاده بود، نتوانست، به مراد خود برسد. نتیجه آن شد، که قوای اشغالگر روس با سرافکنندگی تاریخی مجبور به ترک افغانستان گردیدند.

با مد نظر گرفتن مزایای سوق الجیشی و امکانات وسیع اکمالاتی و لوژیستیکی که مسکو داشت، به جرأت میتوان گفت، که قوای اشغالگر ناتو باید تعداد عساکر خود را به بیشتر از یکصد و پنجاه هزار برساند و از طرفی هم راههای اکمالاتی خود را مطمئنانه تضمین نماید، تا در سطح قوای متجاوز شوری برسد.

طوری که میدانیم، قوای امریکائی به مشکل راههای اکمالاتی مواجه است، و از همینرو گاهی دست بدامان روسیه می اندازد و اینک دست تکدی به سوی دشمن پدر پدر خود - رژیم "آخوندی - کرلائی" ایران - دراز کرده است.

ما در گذشته شاهد بودیم که ازبکستان بر اثر فشارهای فزاینده مسکو، پایگاههای نظامی امریکائی را در خاک خود بست و قوای امریکائی را رخصت کرد. اینک عین وضع را در قرغزستان مشاهده میکنیم. امروز ۱۹ فبروری ۲۰۰۹ پارلمان قرغزستان با اکثریت قریب به اتفاق آراء تصمیم بر مسدود کردن پایگاه هوائی امریکائی در "مناس" گرفت. "مناس" یکی از پایگاههای مهم نظامی امریکا در منطقه حساب میشد، که از آن در اکمال قطعات امریکائی مستقر در افغانستان، استفاده شایان میگردید. قسمی که از تلویزیون المان شنیدم، تصمیم بستن پایگاه امریکائی در پارلمان قرغزستان فقط با "یک رأی مخالف"، اخذ گردید؛ یعنی این فیصله تقریباً به اتفاق آراء صورت گرفته است. تحلیلگران پای روسیه را در این امر صریحاً و شدیداً دخیل میدانند. روسیه از مکانیزمهائی برخوردار است که میتواند ممالک آسیای مرکزی را زیر فشار بگیرد. روسیه تحت ریژی "ولادیمیر پوتین" - که عین رول "زارهای کهن" را بازی میکند - در دو دوره ریاست جمهوری و اینک در دوره صدارت خود، نشاندهنده این امر است که روسیه در صدد است تا باز مجد دوران اتحاد شوروی معدوم را مجدداً زنده بسازد. رئیس جمهور جدید روسیه، "مدویدف"، آله ای در دست "پوتین" بیش نیست.

بشکل معترضه تذکر میدهم که :

(روسیه بعد از تلاشی اتحاد شوروی و پیمان وارسا، در حالت خطرناکی در بین دشمنان تاریخی خود - ممالک عضو پیمان ناتو - قرار گرفته است، خصوصاً که ممالک اقمار اروپائی شوروی سابق پیوسته به پیمان ناتو جذب میگردند و اخیراً قرار است که اوکراین و گرجستان نیز عضویت این پیمان را حاصل نمایند. روسیه از نگاه حربی در "وضعیت خطرناک داخلی" قرار گرفته و از طرف دشمنانش محاصره گردیده است. از همین رو پیوسته تقلا دارد، تا لا اقل ممالک آسیای مرکزی را زیر تاثیر مجدد خود بیاورد. و ما شاهدیم که این ممالک دوباره در مدار مسکو به چرخیدن آغاز کرده اند. از طرف دیگر "ایران آخوندی" نیز متحد خوبی برای روسیه شمرده میشد. ولی از قرار معلوم امریکای تحت اداره اوباما تلاش فراوان و سعی بلیغ دارد، تا این متحد را نیز از مدار روسیه جدا ساخته و در زمره اقمار خویش درآورد.)

بعد از این طفره برمیگردیم، به اصل مطلب :

چون راههای لوژیستیکی امریکائی در داخل خاک پاکستان، پیهم مورد حملات طالبان قرار میگیرد، امریکا مجبور گردیده است که دست بدامان رژیم دشمن هفت پشت خود دراز کرده و راه اکمالاتی جدید را از طریق ایران تدارک ببیند. (خوانندگان ارجمند را به مطالعه سه ترجمه اخیرم در پورتال دعوت میکنم)

مقصد از یادآوری این نکات این بود، که قوای اشغالگر ناتو با چه مشکلاتی مواجه میباشند، که "شرایط خارجی" دورنمای ظفر را بر ایشان میندازد. البته شرایط داخلی نه تنها ازین بهتر نیست، بلکه به مراتب خرابتر هم هست. مقاومت در داخل افغانستان روز بروز نسج تازه میگیرد و پس منظر پیروزی قوای ناتو را تاریکتر میسازد.

بگذارید، که قوای غرب هم بخت خود را در میدانهای جنگ افغانستان بیازمایند؛ و ما افغانان میدانیم که برنده و بازنده این جنگ که خواهد بود؟؟؟

نفس تاریخ ما هیچگاه نسوخته و این بار نیز

غیر ازین نخواهد بود!!!!